



روش‌شناسی تفسیر «نظام القرآن و تأویل القرآن بالفرقان» فراهی

عبدالحمید فراهی از برجسته‌ترین افرادی است که نظریه «نظام قرآن» را به عنوان روشی تازه در تفسیر قرآن پی‌ریزی کرده است. از نظر او، قرآن دارای معانی بسیاری است که برطبق نظام مختلف آمده است.

عبدالحمید فراهی از برجسته‌ترین افرادی است که نظریه «نظام قرآن» را به عنوان روشی تازه در تفسیر قرآن پی‌ریزی کرده است. از نظر او، قرآن دارای معانی بسیاری است که برطبق نظام مختلف آمده است.

خبرگزاری مهر، نشرین دمیرچی: عبدالحمید فراهی، نگارنده تفسیر «نظام القرآن و تأویل القرآن بالفرقان» از برجسته‌ترین افرادی است که نظریه «نظام قرآن» را به عنوان روشی تازه در تفسیر قرآن پی‌ریزی کرده است. فراهی معتقد است که هر متنی طبعاً به طور مستقیم یا غیرمستقیم نظارتی بر واقعیات فرهنگی و اجتماعی زمانه خویش دارد. در مورد متن وحیانی نیز این نکته وجود دارد که به وجهی ناظر به حوادث و واقعیات فرهنگی اجتماعی عصر نزول است؛ زیرا به غرض هدایت و ارشاد و تربیت الهی مخاطبان نازل شده است؛ بنابراین چون قرآن در بین اعراب و در فضای آن زمان نازل شده، از استعمالات و اسلوب رایج بین آنان در قرآن استفاده شده است تا برای آنان قابل فهم باشد.

در خصوص روش‌شناسی تفسیر او با سیده زینب حسینی، پژوهشگر حوزه علوم قرآنی و تفسیر به گفتگو نشستیم.

*عبدالحمید فراهی کیست؟ چه آثاری دارد؟

عبدالحمید بن عبدالکریم بن قربان بن تاج علی فراهی انصاری، معروف به حمیدالدین و ابی احمد، در صبح روز چهارشنبه ششم جمادی الثانی سال ۱۲۸۰ قمری در خانواده‌ای شیعی در روستای فریها - یکی از بزرگ‌ترین روستاهای هند - به دنیا آمد. در ۱۰ سالگی قرآن را حفظ کرد. طی مدت ۹ ماه زبان فارسی را آموخت به گونه‌ای که دیوان شعری به زبان فارسی دارد. سپس به آموختن زبان عربی روی آورد و به اندازه‌ای در این زبان تبحر یافت که کتاب جمهره البلاغه را در رد عبدالقاهر جرجانی نگاشت. پس از آنکه در این دو زبان استاد شد، زبان انگلیسی را در دانشگاه علیگره آموخت و رساله‌ای در رد عقیده نصاری در باب شفاعت و کفاره به زبان انگلیسی تألیف کرد. سپس در همان دانشکده، زبان عبری را از مستشرق یهودی به نام جوزف هوروفیتس آموخت. این زبان بسیار برای او کارآمد بود و در مقایسه تطبیقی میان قرآن و تورات و همچنین در نوشتن ردیه علیه یهود و نصاری در برخی مسائل از آن استفاده کرد. برای نمونه در کتاب «الرای الصحیح فیمن هو الذبیح»، سیزده دلیل تورات مبنی بر اینکه ذبیح اسحاق است را رد کرده است.

فراهی در علم قرآن تبحر داشت، معاصران او را ترجمان قرآن نامیده بودند. رشیدرضا درباره او می‌گوید: «او راه نوینی را در اسلوب تفسیری بنا نهاده و فهم موثری از قرآن دارد.»

فراهی فلسفه جدید را در دانشگاه علیگره نزد مستشرق معروف توماس آرنولد فراگرفت و برای آموختن علوم نقلی و عقلی به شهر لکنؤ سفر کرد. او در علم قرآن تبحر داشت. معاصران او را ترجمان قرآن نامیده بودند. رشیدرضا درباره او می‌گوید: «او راه نوینی را در اسلوب تفسیری بنا نهاده و فهم موثری از قرآن دارد.» فراهی درحال تلاوت قرآن در نوزدهم جمادی الثانی سال ۱۳۴۹ قمری در شهر مئورا در شمال هند درگذشت.

در میان تألیفات چاپ شده فراهی، بیست و یک اثر به زبان عربی، چهار اثر به زبان فارسی، دو اثر به زبان اردو و یک اثر به زبان انگلیسی است. همچنین از وی تألیفات دست‌نویسی وجود دارد که پنج تألیف در حیطه قرآن و علوم قرآنی و دوازده تألیف در حیطه موضوعات مختلف است. به عنوان نمونه از مهم‌ترین آثار فراهی عبارتند از: الإمعان فی اقسام القرآن، مفردات القرآن، تفسیر نظام القرآن و تأویل القرآن بالفرقان، جمهره البلاغه (در نقد نظریه محاکات و رد دیدگاه جرجانی).

*چرا شناخت روش و رویکرد وی در تفسیر حائز اهمیت است؟

عبدالحمید فراهی از برجسته‌ترین افرادی است که نظریه «نظام قرآن» را به عنوان روشی تازه در تفسیر قرآن پی‌ریزی کرده است. از نظر فراهی، قرآن دارای معانی بسیاری است که برطبق نظام مختلف آمده است. نظم از نظر

لغوی گردآوری و ضمیمه کردن چیزی به چیز دیگر است. نظام به هر نخی که مروارید و مثل آن را نظم می & shy;بخشد، گفته می & shy;شود.

عبدالحمید فراهی از برجسته ترین افرادی است که نظریه «نظام قرآن» را به عنوان روشی تازه در تفسیر قرآن پی & shy;ریزی کرده است

مراد از نظام در اصطلاح علمای علوم قرآن عبارت از ارتباط بعضی آیه & shy;های قرآن به بعضی دیگر است؛ به گونه & shy;ای که آیات مانند کلمه واحدی می & shy;شوند که دارای معانی هماهنگ می & shy;باشند. درباره علت نام & shy;گذاری این اثر به «نظام القرآن»، ضرورت دارد معنای نظام را از منظر فراهی تبیین کنیم.

به باور وی، مراد از نظام این است که سوره، یک واحد کامل بوده و جملات و آیات آن با هم هماهنگ باشند و در مرحله بعد با سوره قبل و سوره بعدش تناسب داشته باشد. اگر به همین ترتیب ادامه یابد، کل قرآن کلام واحدی می & shy;شود که با هم هماهنگ خواهند بود. زمانی که نظام در قرآن روشن شود، هر سوره صورت مشخصی می & shy;یابد که معنای آیات تحت عمود واحد به هم ربط خواهند یافت که دارای زیبایی و اتقان و وضوح می شوند.

*آیا به غیر از فراهی مفسر یا دانشمند علوم قرآنی دیگری نیز به مبحث نظام در قرآن پرداخته است؟

این نظریه در تفاسیری چون «البرهان فی علوم القرآن» و «الاتقان» یافت می شود. اما نخستین مفسری که بر نظریه وحدت و انسجام سوره & shy;های قرآن تأکید کرد، «اشرف علی تھانوی» بود. پس از او این دیدگاه که چگونه در هر سوره یک آیه با آیات قبل و بعد خود ارتباط می & shy;یابد، در تفاسیری مانند «المنار»، «فی ظلال القرآن» و «المیزان فی تفسیر القرآن» قابل ردیابی است. اما مفسر بزرگ شبه قاره هند، «عبدالحمید فراهی» دیدگاه تفسیری نظام یافته تر و جامع نگرتری نسبت به سایرین عرضه کرده است به طوری که موضوع نظام با نام او شناخته می شود.

*روش ایشان در تفسیر به چه شکل بوده است؟

در باور فراهی مآخذ خبری به اصل و امام و فرع و تبع تقسیم می & shy;شود. اصل و امام خود قرآن است و اولین چیزی که قرآن را تفسیر می & shy;کند، قرآن است. فرع و تبع چند قسمت است: یکی، احادیث نبوی و اقوال صحابه، به گونه ای که بهترین تفسیر نزد فراهی تفسیر توسط سنت نبی و اقوال صحابه است. دوم، شأن نزول است. فراهی مانند برخی از قرآن & shy;پژوهان معاصر شیعه همچون آیت الله معرفت، شأن نزول را سبب نزول آیه نمی & shy;داند. وی شأن و حال مردم در هنگام نزول آیه را شأن نزول می & shy;نامد.

فراهی مانند برخی از قرآن & shy;پژوهان معاصر شیعه همچون آیت الله معرفت، شأن نزول را سبب نزول آیه نمی & shy;داند. وی شأن و حال مردم در هنگام نزول آیه را شأن نزول می & shy;نامد

او می & shy;گوید شأن نزول حقیقت را درباره آیات روشن کرده و مفسر را به یقین می رساند، ابهامات موجود درباره آیه را برطرف ساخته و حکمت و جهت حکم را مشخص می نماید. سومین فرع، استعمالات لغت نزد اعراب می باشد.

فراهی معتقد است که هر متنی طبعاً به طور مستقیم یا غیرمستقیم نظارتی بر واقعیات فرهنگی و اجتماعی زمانه خویش دارد. در مورد متن وحیانی نیز این نکته وجود دارد که به وجهی ناظر به حوادث و واقعیات فرهنگی اجتماعی عصر نزول است؛ زیرا به غرض هدایت و ارشاد و تربیت الهی مخاطبان نازل شده است؛ بنابراین چون قرآن در بین اعراب و در فضای آن زمان نازل شده، از استعمالات و اسلوب رایج بین آنان در قرآن استفاده شده است تا برای آنان قابل فهم باشد.

چهارم، لغت و ریشه کلمه است. فراهی به مفردات و کلمات و ریشه آنها بسیار اهتمام دارد تا جایی که کتابی مجزا تحت عنوان «مفردات القرآن» نگاشته است و آن را به منزله مقدمه برای تفسیر خود می & shy;داند. کتب مقدس، پنجمین فرع هستند. به نظر فراهی، نزول قرآن بعد از کتب پیشین برای تکمیل ادیان گذشته و روشن & shy;سازی اختلافات پیروان آن ادیان بوده است. او کتابی دارد تحت عنوان «الاکلیل فی شرح الانجیل» که در آن به مقارنه بین انجیل و قرآن درباره مکان & shy;های تاریخی که مسیحیان آنها را تحریف کرده & shy;اند، می & shy;پردازد.

*میزان بهره گیری فراهی از عقل و علوم عقلی در تفسیرش به چه میزان است؟

فراهی کتابی با عنوان «حجج قرآن» دارد که در آنجا بیان می‌شود؛ دارد که یکی از علوم معروف و بهترین هدیه shy&ای که خدا به انسان بخشیده است، علم حجت و بینات است که با آن اهل باطل را خوار می‌کنند. اما او منطق و فلسفه یونانیان را نقد می‌شود؛ کند و علم دیگری به نام منطق اعلی را تأسیس می‌شود؛ کند و اصولی را برای اقامه حجت بیان می‌شود؛ کند و از قرآن برای آن دلیل می‌شود؛ آورد.

وی برای عقل جایگاه ویژه shy&ای در خلقت انسان قائل است و آن را اصل اولی برای احتجاج می‌شود؛ داند، به شرط آن که از علم حق- یعنی علمی که از سوی خدا نازل شده- و عمل صالح پیروی کند. پس راه احتجاج در نزد او به کارگیری عقل، علم و عمل است.

*در انتها گرایش تفسیری فراهی چیست؟

با توجه به اینکه دانش شرح لغات در فراهی در اوج کمال است و همچنین اینکه وی با یک رویکرد موضوعی به معناشناسی کلمات از همه کاربردهای متنوع حقیقی و مجازی واژه ذیل یک عنوان بحث کرده است. در بیان معنای کلمات قرآن نیز به shy&طور گسترده به فرهنگ عربی استناد کرده است. همچنین تلاش کرده است که برای هر واژه یک معنای اصلی و مرکزی معرفی کرده و دیگر معانی واژه را به آن برگرداند، می‌شود؛ توان گرایش وی در «تفسیر نظام القرآن و تأویل القرآن بالقرآن» را یک گرایش ادبی دانست.